

گاه شماری اوستایی

بهرام فرهمند

گاه شماری اوستایی

گاه شماری اوستایی بی گمان از دورترین ایام، با گاه شماری و تقویم اقوام هند و اروپایی و هند ایرانی روابطی داشته است. اما پس از انشار آریاها در سرزمینهای مختلف با شرایط اقلیمی و طبیعی متفاوت این هماهنگی بر حسب و توافق شرایط جدید دگرگونی یافت. به همین جهت در اوستا اثرات گاه شماری قدیم آریایی، چون سال قمری و مضافات آن که هلال و بدر باشد و دوازده ماه سال و نظایر آن ملاحظه می شود که کم کم به سال قمری کبیسه دار و پس آن به سال شمسی تغییر پیدا کرد. اما گاه شماری اوستایی جدید تقریباً از زمان داریوش بزرگ، شاه هخامنشی در ایران پیدایی یافت. پیش می توان به دو دوره گاه شماری اوستایی قدیم و گاه شماری اوستایی جدید معتقد شد. این تقشیم اخیر مبنای حساب و شمار تقویم و تعیین جشنها و عیدها بوده و از زمان داریوش، گویا اساس قرار گرفته است و چون با گاه شماری و تقویم بابلی و به ویژه مصری شباهتی بسیار دارد. از سویی دیگر چون آریاهای هند و ایرانی مدتهای دراز با هم بوده اند و دین و اساطیر و زبان و بسیاری رسوم و ادبیات تشان از منابع مکتوب باقی مانده است و این همسانی و هماهنگی در گاه شماریشان نیز جالب است به ویژه با گاه شماری قدیم اوستایی که می توان برای نمونه به برخی موارد مشابه توجه کرد.

روزها ماهها و گهنبهارها

به موجب روایات داستانی، عمر جهان ۱۲۰۰۰ سال است. این زمان به چهار دوره مساوی تقسیم می شود. عصر نخست جهان در حالت مثالی بود عصر دوم آفرینش انجام گشت. عصر سوم و چهارم به دنبال عصر دوم، جهان ناظر آمیختگی ماده و روان یا نیکی و بدی و سرانجام جنگ و ستیز است میان خوبی و بدی و سرانجام پیروزی نیکی بر بدی و جهان به حالت فروهری و یا مثالی باز میگردد. این مبنای داستانی که تمثیلی بسیار پر معنی است برای شناخت فلسفه برخی از جشنها و روزهای ویژه و تعبیر کنایتی مراسم و آیین های آن می باشد.

سال اوستایی که شمسی است و تقسیمات سال و موضع پنج روز باقی یا پنجه در گاه شماری دینی (قدیم) ایران بسیار مهم است.

نامهای ویژه روزها و معانی و نامهای دوازده گانه ماه ها و پنج گانه پنجه برابر با شکل جالبی که در زمان ملک شاه سلجوقی (توسط خیام) وضع شد از منابع معتبر قدیم نقل شده است. بسیاری از عقاید و سنت ها و آداب و رسوم ایرانیان است و خلاقیت این مردم را در مردم دوستی و نظافت و پاکیزگی و حفظ شعایر نشان می دهد، بکن و نکن ها یا شایست و ناشایست روزهای باقی است. در مثل، در روزهایی چه کارها شایسته است و یا از چه اعمالی باید پرهیز گردد. استمرار این عقاید و فرهنگ جالب مردمی، معتقدات مردم ایران، پس از ساسانیان تا به امروز باقی مانده است.

در گاه شماری و تقویم قدیم ایرانیان درستی محاسبه، دقت در حساب و شمار و نگاه داشت سال ماه و روز با اعتقاد استوار بر سنن دینی وابسته بوده است و تا آنجا که حتی هر روز نیز دقیقاً به پنج بخش تقسیم می شد که در زمستان به مناسبت کوتاهی روز چهار هنگام می شد. این پنج گاه روز هم به لحاظ عبادت و نماز و هم از جهت کار و آسایش یکی از جالبترین نکات گاه شماری اوستایی است.

سال اوستایی

سال اوستایی همان سال شمسی است و از ۳۶۵ روز تشکیل می شود و هر سال ۱۲ ماه دارد و هر ماه دارای سی روز می باشد. این سی روز دارای سی نام مشخص و ویژه می باشند که هر روز به نامی خوانده می

شود . نامها مخصوص امشاسپندان و ایزدان است (امشاسپندان صفات اهورایی یا صفات خداوند هستند و ایزدان عبارتند از عناصر سود رسان و گرامی) اما پنج روز باقی می ماند که این پنج روز پس از آخرین روز از ماه اسفند یعنی روز سیدوشستم قرار دارد . که به آن ایام پنجه می گویند . و هر روز را نامی است . این پنج نام از پنج بخش سرودهای اشوزرتشت یا گاتاها برگزیده شده است . و همچنین ۱۲ ماه نیز دارای دوازه نام است منتخب از نامهای امشاسپندان و ایزدان که با ۱۲ نام از سی اسم روزها مشترک است که آن روز را جشن وشادی بوده که در باره آنها توضیحاتی داده خواهد شد.

سال اوستایی سال شمسی کامل است نه ناقص . به این معنی که ۳۶۵ روز و ربع روز است و در حدود شش ساعت اضافه دارد

چنانچه اشاره شد ۳۰ روز ماه هر روز نام ویژه‌ای دارد و این نامها بر گرفته شده از اسامی امشاسپندان به عنوان صفات اهورایی یا خداوندی که عبارتند از ۶ صفت خداوند و ایزدان که عبارتند از عناصر سود رسان و گرامی چون ایزد آب , آتش , هوا , زمین , آسمان , ماه , خورشید , ستارگان , گیاهان و ... که عبارتند از :

نامهای ویژه روزهای ماه

اوستایی اوستایی واژه	پهلوی(زبان مردم ساسانی)	فارسی ومعنی
۱- اهور-مزد	اهرمزد	اورمزد - هرمزد نام خداوند
۲- وهومنه	وهومن	بهمن : اندیشه نیک
۳- اشاوهیشت	ارتا وهیشت	اردیبهشت : بهترین راستی
۴- خشتر- وئیریه	شتریور	شهریور : شهریاری و نیرومندی
۵- سپنت آرمئی تی	سپندارمت	اسپندارمذ _ اسفند : فروتنی
۶- هئورتات	خردات	خرداد : تندرستی و رسایی
۷- امرتات	امردات	امرداد : بی مرگی
۸- دئوش-یا-دذوه	دذو	دی- دی بآذر: آفریدگار
۹- آثر- آثر	آتور- آتخش	آذر : آتش
۱۰- آپام	آبان	آبان : آب هنگام آب
۱۱- هورخشثنه	خورشت	خور: خیر - آفتاب , خورشید
۱۲- ماونگه	ماه	ماه: سیاره ماه
۱۳- تیشتریه	تیشتر	تیر : تبر ستاره باران
۱۴- گئوش	گوش	گوش: جهان , هستی و زندگی
۱۵- دئوش	دذو	دی : دی بمهر
۱۶- میتر	مهر- میترا	رشن: دادگری

سروش: فرمانبرداری	سروش	سروش	۱۷- سراسه
رشن : دادگری	رشن		۱۸- رشنو
فروردین: فروهر پیشرو	فروهر		۱۹- فروشی
بهرام: پیروزی ستاره بهرام	ورهران—ورهرام		۲۰- ورثرغن
رام: شادی و آرامش	رامش		۲۱- رامن—رام
باد: هوا	vat		۲۲- وتا
دی- دی بدین: آفریدگار	dadhv	dathush- dadhva	۲۳- دئوش- دذوه
دین: وجدان بینش درونی	دین		۲۴- دئنا
ارد: خوشیختی داراد	ارت – ارد		۲۵- اشئی- ونگوهی
اشتاد: راستی	اشتاد		۲۶- ارشتاد
آسمان: آسمان	آسمان		۲۷- آسمن
زامیاد: زمین	زمیک		۲۸- زام
مهر اسپند – مارآسپند: گفتار نیک	امهر اسپنت		۲۹- مانتره سپنت
انارم: فروغ و روشنایی بی پایان	انیران		۳۰- انغراچه

نام اول هرماه به نام خدا یا اهورامزدا آغاز می شود از روز دوم تا هفتم به ترتیب نام شش امشاسپند یا صفت اهورایی است که به ترتیب عبارتند از بهمن , اردیبهشت , شهریور , سپندارمذ , خرداد , امرداد.

بدین ترتیب نام هفت روز اول ماه تعیین می شود ایرانیان قدیم در تقویم اوستایی هفته نداشتند هفته ویژه سامی نژادان است .

اهورامزدا خدا است و به معنی آفریدگار است اما در سرار منابع مورد استناد اوستایی و پهلوی و اسلامی ایرانی اشاره ای که حاکی از وجود تقسیم ماه به چهار بخش یا هفته باشد نیست .

نامهای ویژه دوازده ماه

همانطور که اشاره شد نامهای دوازده گانه ماه ها با دوازده نام از اسامی روزها مشترک است . مانند فروردین روز از فروردین ماه که ۱۹ فروردنی است یا نام اربیشتهت به عنوان دومین ماه سال و سومین روز ماه . بدین شیوه هرگاه نام روز و ماهی موافق می افتاد , آن روز را جشن می گرفتند و از این رهگذر دوازده جشن در سال که بهتر است آنها را جشنهای ماهانه بنامیم , پدید می آمد .

۱- فروردین	۱۹ فروردین	جشن فروردگان
۲- اردیبهشت	۲ اردیبهشت	جشن اردیبهشت
۳- خرداد	۴ خرداد	خردادگان
۴- تیر	۱۰ تیر	تیرگان
۵- امرداد	۳ امرداد	امردادگان

شهریورگان	۳۰ مرداد	۶- شهریور
مهرگان	۱۰ مهر	۷- مهر
آبانگان	۴ آبان	۸- آبان
آذرگان	۳ آذر	۹- آذر
دیگان	۲ دی-۹ دی-۱۷ دی	۱۰- دی
بهمنگان	{بهمن ۱۰ (سده)}	۱۱- بهمن
اسفندگان	{بهمن ۲۹ (پنجه, سوری)}	۱۲- اسفند

این جشنهای دوازده گانه (۱۶) سال می باشند که در روزگار ساسانیان و پیش از آن با آداب و تشریفاتی فراوان برگزار می شد . اما پس از سقوط ساسانیان و دیگرگون شدن اوضاع و احوال ایرانیان بسیاری از این جشنها به فراموشی سپرده شد که حتی در منابع و مراجع جز یکی دو سطر از آن موجود نیست .

دوازده ماه سال درست ۳۶۰ روز می شد . پنج روز باقی مانده را در شماره ماه محسوب نمی دانستند . این پنج روز را به فارسی مسترغه یا اندرگاه , اندرگاهان , روز گاتها و نامهای دیگر نامیده اند . آن را جشن می گرفتند و شادی می کردند و ایام نزول در گذشتگان به خان و مان می دانستند.

گاتها یا سرود های زرتشت دارای پنج بخش می باشند و هر بخش نام ویژه ای دارد , این پنج روز را نیز به نام های پنج گانه گاتها می خوانده اند.

نام معمول گاتها	نام اوستایی	روزهای پنجه
اهنود ahnavad	اهون و دی تی unavaiti	روز ۳۶۱ نخست از پنج روز آخر سال
اشتود گاه Ashtavad	اوشت و دی تی ushttavaiti	روز ۳۶۲ دوم از پنج روز آخر سال
سپنتمد گاه spantmad	اوشت وئی تی Ushtavaiti	روز ۳۶۳ سوم از پنج روز آخر سال
وهوخشتر گاه vahu-khashtara	وهو خشتر ho-khshathra	روز ۳۶۴ چهارم از پنج روز آخر سال
وهشتوش گاه- va hishtvish	وهیشتوایشی va hishto-tvayeshi	روز ۳۶۵ پنجم از پنج روز آخر سال

هر سال شمسی عبارت از ۳۶۵ روزه کسری است . این در سال در حدود ۶ ساعت که دقیق تر آن , ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه و ۴۹ ثانیه است . پس برای نگاه داشتن درست سال شمسی , لازم بود که این کسور به شماره آید و کیسه شود به همین جهت شواهدی در دست است که در زمان ساسانیان هر چهار سال یک بار موبدان پنجه را شش روز می گیرند . و اضا فه آنرا اوردار avardad به معنی روز زیادی نام نهاده اند .

پنج گاه روز

واژه گاه در زبان فارسی و گاس Gas در پهلوی گاثو Gathu در اوستا به معنی وقت و هنگام است . در آئین مزدیسنی (زرتشتی) هر چیز یا پدیده های نیک و سودرسان را ایزد یعنی قابل احترام و مراقبت می گفتند {که این

واژه در برخی مواقع خدا معنی شده که صحیح نمی باشد} به همین جهت اوقات شبانه روز ، ماه و سال نیز ایزدان سرپرستی داشته اند . اوقات یک شبانه روز را به پنج بخش یا گاه تقسیم می کرده اند که در هر هنگام یا بخشی نمازی واجب بوده و خوانده می شود . ایام سال که ۲۶۵ روز است به شش بخش یا گاهنبار تقسیم می شده به آن نیز اشاره خواهد شد.

پنج گاه شبانه روز که گاه (زمان) نماز است برابر با جدول زیر است .

نام	تلفظ	هنگام
هاونی	havani	از آغاز سپیده دم بامدادی تا نیمروز
رپیتون- رپیتونگاه	rapithvina	از ظهر یا نیمروز تا عصر هنگام
اوزینی رینه - ازبرینگاه	Uzayeirina	از عصر هنگام تا آغاز غروب خورشید
اویسروتیریمگاه	aiviwirutrima	از غروب خورشید تا نیمه شب
اوشهینه- اوشهینگاه	Ushahina	از نیمه شب تا طلوع آفتاب

در تقویم و گاه شماری زرتشتیان در آغاز سال به دو فصل عمده تقسیم می شد . تابستان بزرگ از اول فروردین ماه شروع و تا پایان مهرماه می انجامید و هفت ماه بود و زمستان بزرگ که از آغاز آبان ماه شروع و تا پایان اسفند ماه دوام داشت ، و شامل پنج اندرگاه نیز می شد . در فصل زمستان بزرگ به موجب کوتاه شدن روزها، هر شبانه روز به جای پنج گاه به چهار گاه بخش می شد و یک گاه رپیتونگاه خذف و در هاونگاه جای می گرفت . بدین شیوه که هاونگاه از آغاز سپیده دم تا عصر هنگام یا سه ساعت پس از نیمروز طول میکشید و از همین جهت در زمستان نماز این هنگام ساقط شده و برگزار نمی گشت .

چنانچه اشاره شد برای این پنج گاه با همین نامها و عناوین در خرده اوستا پنج نماز و سرود آمده است که هر یک در هنگام ویژه خود تلاوت می شود .

مضمون این نمازها تصریح و تاکید و احترام همه نیکان ، فروهران ، عناصر نیک و سودمند و در خواست برکت و تندرستی و شادمانی و ستایش خداوند و اشاسپندان است .

هر گاه----- واژه اوستایی آن ، معنی همان هنگام روز را افاده می کند، هاونی از واژه مشهور هاون است . چون بامدادان موبدان در آتشکده ها گیاه هوم را با تشریفاتى جهت تعصیر در هاون می کوبیدند و با بانگ زنگ هاون ها مردم را آگاه می کردند از هنگام آغاز روز، که بعدها نواختن زنگ در کلیساها از همین رسم ایرانیان اقتباس شد . واژه رپیتوا (Rapithva) به معنی ظهر و نیم روز است و چون ظهر گرم ترین هنگام روز است که به همین جهت تابستان رپیتوا نامیده می شود که گرم ترین فصل سال است اوزیر (Uzayara) واژه ای مرکب است از اوز (US یا Uz یعنی آن سوی وایر (Ayara) یعنی روز که روشن می باشد . یعنی آن سوی روز از عصر به بعد تا غروب خورشید ائویسروتیریمه به معنی پنهانی و آهسته و فرارسنده کخ منظور شب است . واژه اوشه Ushah نیز به معنی سپیده دم است .

گاهنبار جشنهای شش گانه سال

تقسیم فصول میان ایرانیان به موجب مهاجرتها و شرایط اقلیمی و آب و هوا و اوضاع جوی تغییر پیدا می کرد . هنگامی که سال به دو فصل (تابستان بزرگ و زمستان بزرگ) تقسیم می شد آغاز سال گاه در آغاز بهار و یا تابستان و یا پادیز و یا زمستان حساب می گشت . و بعدها به چهار فصل سه ماهه باور پیدا کردند. اما اذ آغاز مطابق قراین به شش فصل نامتساوی در تقویم باور داشتند. و بدان عمل می کردند.

این شش فصل نامتساوی در جوامعی بوده است که در تامین معاش و زندگی در دورانی زندگی می کرده اند که کشاورز و دامدار بوده اند. زیرا هنگام این فصول و معانی واژهها مبین چنین اندیشه ای است .

این جشنها یا فصول به موجب خود اوستا یا پیریه (yairyā) نامیده می شود که صفت است به معنی سال اغلب این واژهها اوستایی یا سانسکریت است که ریشه های بنیادی آریایی دارند در زبانهای اروپایی نیز باقی است یا پیریه همانطور که اشاره شد به معنی سال است که در اینگلیسی به صورت (Yaer) و در آلمانی (Yehr) باقی است .

بی گمان این گاهنبارها فصولی از سال بوده اند با مردمی کشاورز و دامدار. اما با گذشت زمان چنین تقسیم نامساوی از بین رفت ولی بنیاد آن به صورتی سنتی و دینی گرامی داشته شد. چنانچه در نوشته های باقی مانده از زمان ساسانیان بدان اشارت فراوانی شده و هنوز میان زرتشتیان ایران و پارسیان هند رایج و برقرار است .

از گاهنبارها در خود اوستا در یسنا - بخشهای یک تا هفت و در ویسپرد (visparad) و خرده اوستا آفرینگان گاهنبار یاد شده است . نام هر گاهنبار و هنگام برگزاری آن نیز مشخص شده است جشن هر گاهنبار پنج روز طول میکشد که روز پنجم با اهمیت تر بوده و جشن اصلی به شمار می رود . در حالی که چهار روز نخست مقدمات و تشریفات انجام می شود که نام این شش جشن سال به این ترتیب است :

نام اوستایی	تلفظ	شکل رایج امروز
مندذ یوئی زرمیه	maidhyoizar	میدیو زرم
مندذ یوئی - شمه	maidhyi-shem	میدیوشم
پئی تیش ههیه	paitish-hahya	پتیه شهم
ایا سریمه	ayatharima	میدیارم
همس پت منیدیه	hamaspatmaidya	همس پت مدم

نام گاهنبار نخست مرکب از میدیوم+زرم است که شکل اوستایی آن میدیو (midyu) منیدیو Moidhyo می باشد به معنی میانه و میان که در زبان انگلیسی به صورت Mid و Medium به همین معنی باقی است زرمیه zaremaya به معنی بهار است پس مید یوزرم به معنی میانه بهار است . ۱۰ اردیبهشت تا ۱۴ اردیبهشت است . گاهنبار دوم میدیوشم است و هنگام آن از ۸ تیر تا ۱۲ تیر ماه شمه به معنی تابستان است و این گاهنبار میانه تابستان معنی می شود. و این تقویم مربوط به شرایطی است که هنوز آریاها به سرزمین ایران وارد نشده بودند و جایی می زیسته اند که تابستان آن ۷ ماه دوام داشته است. و نشانگر درو علوفه می باشد

گاهنبار سوم پتیه شهم نام دارد و هنگام آن ۲۱ شهریور تا ۲۵ شهریور است و به معنی پایان تابستان است و ۲۵ شهریور تقریباً مقارن با پایان تابستان است . با جنبه توصیفی هنگامی است که گندم (هه یه hahya) بدست می آید.

گاهنبار چهارم : (ایاسریمه Ayatharima) و هنگام آن از ۲۰ تا ۲۴ مهر به معنی اغز سرما و هنگامی است که گله ورمه از چرا گاه ها به اغل باز میگرددند . و وقت جفت گیری گوسفندان است . و این گاهنبار و گاهنبار دوم نشان از آن دارند که ما با قومی کشاورز و شبان سروکار داریم. پس ایتن گاهنبار پایان تابستان بوده و آغاز زمستان و آغاز فصلی است که شبانان نیز گله های خود را از چراگاهها به اغل می برند تا از سرما در امان باشند و از علوفه ذخیره شده استفاده کنند . کشاورزان نیز خرمن را برداشته و غله را انبار می کنند. و برای زمستان فصل سردو آرامش , خود را آماده می کنند.

گاهیار پنجم : میدیارم است به معنی میانه آرامش میان فصل سرد زمستان که هنگام آرامش و سکون مردم بوده است بویژه شبانان و کشاورزان . هنگام این فصل ۹ تا ۱۴ دی ماه است البته ملاک تقسیم همه گاهنبارها واحد ۱۵ روزه است . اولی ۴۵ روز دومی ۶۰ روز سومی ۷۵ روز چهارمی ۳۰ روز پنجمی ۸۰ روز ششمی ۷۵ روزه جمع این شمارش ۳۶۵ روز می شود . البته تقسیم به ۱۵ روز بودن روزها در گاهنبارها , برخی آن را نوعی سال قمری دانسته اند .

ششمین گاهنبار

ششمین گاهنبار در اوستا همس پت میثد یه (hamaspatahmaidaya) نامیده می شود این واژه را به معنی برابر شدن ساعات روز و شب معنی کرده اند و هنگام آن آخرین روز پنجه یعنی روز وهیشتوایشت روز ۳۶۵ سال است که شب آن در آغاز اعتدال فصلی است و ساعت روز و شب ۱۲ ساعت است . در این ایام واجب است با داد و دهش راست کرداری و درستی و خواندن دعا و سرودهای دینی انسانها وظایف خود را انجام دهند. صورت نخستین گاهنبارها تقسیم سال به فصلهایی بود که به لحاظ تغییرات جوی و آب و هوا زمین را کشت کنند , ثانه بکارند , علوفه درو کنند, غله بردارند , دامها را از چراگاهها و مراتع به آغل ببرند و هنگام جفت گیری گوسفندان بر آن نظارت کنند و سر انجام با رسیدن زمستان به استاحت پردازند . اما شیوه ایرانیان آریایی بر بر جشن و شادمانی و اجرای مراسم و تشریفات و اجتماعات و گردهم آیی در این فصول بوده است . الزاما در انجام امور زراعی و دامداری که به مناسبت تغییر فصول پدید می آید , گرد هم می آمدند. اشتراک مساعی می کردند و روز پایان یا پنجمین روز به جشن و پایکوبی و خوردن و آشامیدن می پرداختند و چون اصل تقسیم فصول و جنبه قدیم گاهنبارها در طول زمان به فراموشی سپرده شد و تقویم و گاه شماری تازه ای جای گزین آن گشت جنبه های سنتی و سرور و شادمانی و گردهمایی و خوردن و آشامیدن آن باقی ماند و تا زمان ما دوام آورد.

گاهنبارها جشن آفرینش

به موجب روایات و اسنادی که در دست است در شش گهنبار , به ترتیب ۶ مرحله آفرینش به ترتیب از سوی اهورامزدا انجام یافته است . در تورات نیز اشاره شده که خداوند آفرینش را در شش روز انجام داد و روز هفتم استراحت کرد . این ماله در سفر تکوین تورات آمده است . به ترتیب آسمان زمین آب ماه و ستارگان و خورشید و جانوران و انسان آفریده شد .

در قرآن مجید نیز در آیه ۵۲ از سوره اعراف آمده است : براستی که پروردگار شما آنچهان خدایی است که آفرید آسمان ها و زمین را در شش روز .

در اوستا نریشت ۱۳ و بند ۸۶ به ترتیب فروشی آسمان , آب , زمین , گیاه , جانور , و انسان ستوده شده است و این اشاراتی است به مراحل شش گانه آفرینش که به موجب روایاتی در شش هنگام سال یا شش گاهنبار انجام گرفته است .

در تفسیر پهلوی و پازند آفرینگان گاهنبار ودر تفسیر فارسی که در کتاب(سد در) و مجموعه روایات داراب و هرمزد آمده است . از این مراحل یاد شده است .

آفرینش آسمان در میدیوزرم گاه آفرینش آب در میدیوشم گاه , آفرینش زمین در پتیه شهم گاه , آفرینش گیاه در ایاسرم گاه , جانوران در میدیارم گاه و آفرینش تنسان در همس پتدم گاه مقارن با نوروز و بزرگترین جشن ایرانیان و عات اصلی آن نیز شاید همین باشد.

در فصل ۲۵ از بندهش آمده است که : آفرینش جهان از من اهورامزدا در ۳۶۵ روز که شش گاهنبار سال باشد انجام شد . آنچه که سنت زرتشتیان بر آن است که در این روزها بایستی مراسم جشن و شادمانی همراه با برگزاری مراسم دینی و تشریفات مذهبی برگزار می شود. در این روزها همگان ملزم بودند تا مطابق و برابر توانایی شان انفاق کنند . و شرح این انفاق در آفرینگان گاهنبار آمده است . کسانی که در طول سال از انفاق و بخشش به پارسایان کوتاهی می ورزند محکوم بودند و این محکومیت (مادا) گریبانگیرشان می گشت . در جامعه چنین کسانی تکفیر می شدند و این خود داری از انفاق و بخشش در واقع جرمی بود که کیفری داشت و روا بود تا این کیفر به سخت ترین وجهی برای خاطیان اجرا شود. البته هر کس لازم است در حد توان کمک و انفاق نماید.

البته باید توجه داشت که یکی از علل دینی برگزاری نوروز , همین گاهنبار همس پتدم یا جشن آفرینش انسان و گرامی داشت ارواح و فروهرهای درگذشتگان بوده است که ماه آغاز سال تیز به نام آن ارواح می باشد و رد سرود زیبا و بلنی که در شماریشت ها است اشاره شده است که گاهنبار ششم جشن ارواح طیبه نیاکان است که در این ایام به زمین آمده و میان خان و مان خود چند روزی بسر می برند.

جشن بزرگ فروردینگان یا در اصطلاح زرتشتیان فرودک (frudog) در نوزدهم فروردین ماه است که در این روز علاوه بر تقارن نام روز و ماه با هم جشن فروهرها است و به مراسمی با شکوه با تفصیلات و تشریفات دینی در آتشکده و خانه ها و گورستانها برگزار می شود که هنوز برقرار است .



جشن سوری ----- چهارشنبه سوری

یک رشته از جشنهای اقوام آریایی جشن آتش است . در ایران قدیم و امروز دو جشن آتش شهرت بسیاری داشته است . جشن سوری و جشن سده . جشن سوری در نخستین شب پنجه , پس از سپری شدن ۳۶۰ روز سال برگزار می شد . و با مراسمی در باره فروشی ها و ارواح درگذشتگان بی ارتباط نبوده است که در بخش قبل از آن یاد کردیم. البته باید اشاره شود که اطلاق چهارشنبه سوری به این جشن کهن از امور نامگذاری های تازه است. چون در دوران متاخر تاریخ ایران چنین شده که علل آن نیز توضیح شده است . برای اولین بار از جشن سوری , در کتاب تاریخ بخارا در نیمه اول سده چهارم هجری یاد شده است . که منصورابن نوح سامانی این جشن را برگزار کرد .

جشن چهارشنبه سوری که اینک در شب چهارشنبه آخر سال با مراسم و آداب و تشریفات و سنن ویژه ای برگزار می شود, یکی از این جشنهای بسیار پر طول و تفصیل و سرشار از مراسم و شعایر است که در بخش مربوط به تفصیل و در حد امکان از شکل کهن و امروزی آن و شیوه های برگزاریش پژوهش شده است . باید توجه داشت که با کمال تأسف جز چند مورد غیر مشهود از جشن سوری یا در اصطلاح متاخر چهارشنبه سوری در تواریخ موجود اشاراتی نیامده است . که این جشن عبارت بوده است از جشن پنجه یا یا جشن پیشگامی در مورد ارواح درگذشتگان و فروشیان .

از روزگاران دور این جشن بسیار معمول و مقدس بوده است و با تشریفات فراوان برگزار می شد اما پس از اسلام تغییر نام و عنوان داد و شواهد دلالت بر آن دارد که از اوایل سده هفتم هجری به دست فراموشی سپرده شد اما بعدا با عناوینی دیگر از سده های دهم معمول گردید. سوابق و مراسمی که امروز میان ایرانیان به ویژه برخی شهرستانها و روستا ها در جشن سوری دارند و تحت عناوین دینی معمول است همه یاد آور رسوم و آداب دینی و سنن ایرانیان باستان می باشد.

یک رشته از جشنهای آریایی از اقوام هند و اروپایی , جشنهای آتش است جشنهایی که با آفروختن آتش جهت سوز و شادمانی آغاز می شد . میان یونانیان , رومیان و برخی از ملل اروپایی نظایرش با جشنهای آتش ایرانی هنوز باقی است . در ایران از جمله جشنهای آتش که باقی مانده جشن سوری است در پایان سال یا همان چهارشنبه سوری و جشن سده . از جشنهای آتش که فراموش شده می توان به آذرگان و شهرپورگان یا آذر جشن نام برد .

هنگام اجرای جشن سوری یا همان چهارشنبه سوری در پایان سال چه وقت بوده است؟

آنچه مسلم است آنکه چهارشنبه نبوده چون در تقویم روزشمار ایرانی شنبه و چهار شنبه و جمعه وجود نداشته است و چنانکه گذشت هر سال به ۱۲ ماه و هر ماه به ۳۰ روز و ۵ روز پنجه آخر سال که نام پنج عنوان سروده های اشو زرتشت بوده جمعا ۲۶۵ روز و کسری که هر چهار سال یک بار کیبسه می شد و چون اساس تقسیم ایرانیان بر اساس چهار هفته در ماه نبود لاجرم درشب چهارشنبه آخر سال تحقیقا همچنین جشنی برگزار

نمی شد . روز شمار کنونی بر اثر حمله اعراب به ایران باب شد . بی گمان سالی که این جشن بطور گسترده بر پا بوده مصادف با شب چهارشنبه شده ، و چون در روز شمار تازین چهارشنبه نحس و نامبارک و بد یمن بوده است از آن به بعد شب چهارشنبه آخر سال را با جشن و سوری به شادمانی می گذراندند و بدین وسیله می کوشیدند نحوست چنین شبی را منتفی کنند .

منوچهری دامغانی می گوید :

چهارشنبه که روز بلاست باده خور بسا تکین می خور تا به عافیت گذرد

و همچنین جاحظ در تالیف خود گفته : ولاریعاء یوم ضنک و نحس (المحاسن والاضداد، ص ۲۷۷) و این اشارت به یوم الاربع نزد اعراب است که آن را نحس و نامبارک می دانستند . و ملاحظه می شود که منوچهری میگوید چهارشنبه را می خور و شادی کن تا از نحوست آن خلاص گردی.

حال این پرسش پیش می آید که جشن سوری ایرانیان چگونه می توانسته جلوی نحوست را بگیرد؟

جواب: آتش در نزد ایرانیان مظهر روشنی ، پاکی ، طراوت ، سازندگی ، زندگی ، سلامت و تندرستی و در نهایت مظهر نور خداوندی است . و بیماری زشتی ، و بدبها همه و همه آفات و بالایای عرصه تاریکی و ظلمت هستند . به همین جهت که اهریمن مظهر تاریکی ، ناپاکی و ظلمت است پس هرگاه آتش افروخته شود شادی آغاز شود و غم بیرون رود بیماری فقر و همه زشتیها محو می شوند . و افروختن آتش کنایه از راه یافتن روشنی معرفت در دل و روح است که آثار نحوست و نامبارکی را از بین می برد . به همین جهت جشن سوری را به شب آخرین چهارشنبه سال منتقل کردند تا آغاز سال نو خوش و خرم و شادکام گردند .

و چون افروختن آتش که نشانه غلبه روشنی بر تباهی و نکبت و بیماری بوده است و موجب تقدس آن می شده شناخته گشت و کم کم رسم پریدن از روی آتش و خواندن ترانه هایی باب شد که به اشارت شاد روان استاد پورداود واقعا زشت است .

از کتاب آنهایتا ، پنجاه گفتار پور داود به کوشش استاد مرتضی گرجی تهران ۱۳۴۳ ص ۷۵ عینا نقل می شود :

"در چهارشنبه سوری از روی شعله آتش جستن و ناسزایی چون سرخی تراز من و زردی من از تو گفتن

از روزگاری است که دیگر ایرانیان (چون امروز) مانند نیاکان خود آتش را دیگر نماینده فروغ ایزدی

نمی دانستند آن چنانکه در آتش افروزی جشن سده به گفته گروهی از پیشینیان ، پرندگان و چهار پایان را به

قیر و نفت اندود ه آتش می زدند - از روزگاران پس از اسلام است ."

اما در سال ۲۵۰ هجری هنوز شکل و هنگام اصلی جشن حفظ شده و موسوم به جشن سوری بوده . اما به وسیله تحقیق می توان تاریخ برگزاری جشن سوری در ایران باستان از سه مرحله بیرون دانست : یا در شب ۲۶ اسفند ماه یعنی در نخستین شب از پنجه کوچک یا در نخستین شب از ۱۰ شب و روز روانان و فروردگان و یا در اولین شب پنجه برگ که پنج روز برگ است و نخستین شب و روز گاهنبار (همس پتمدم) که آخرین گهنبار محسوب می شود دانست . و یا حتی در آخرین شب سال که جشن اصلی گهنبار همس پتمدم که آخرین گاهنبار و جشن آفرینش انسان است . حال می توان به انگیزه های و علل این سه هنگام را بررسی کرد . نخست آنکه علت جشن و آتش افروزی برای جشن فروردگان یا ارواح در گذشتگان است به موجب آنچه گذشت این روانان به مدت ۱۰ شبانه روز از جایگاهشان به شهر و خانه فرود می آیند و میان بازماندگان زندگی می کنند. و تا قبل از شب ۲۵ اسفند مردم با دقت به رفت و روب و تمیز کردن خانه و زندگی می پردازند . به حمام رفته شستشو می کنند ، پوشاک نو بر کرده و در اتاقها به ویژه اتاق مخصوص در گذشتگان خانه نقل و نبات و شیرینی و میوه و گل و سبزی همراه با کتاب مقدس و شمع و چوبهای خوش بو در سفره ای می نهند کدورتها و اختلافات را از بین می برند و به صلح و آشتی بدل می کنند . بدان امید که چون روانان فرود آیند شاد باشند و با شادی و راضی از بازماندگان به دعا و برکت دادن به ایشان بپردازند .

یکی از واجبات و سنت های معمول ، آتش افروختن بر سر بام ها و در کوی و برزن بوده است . جشن ۱۰ روزه فروردگان یا روانان مطابق با هر جشن دیگر، با افروختن آتش که نشانه شادمانی ستایش اهورامزدا و آغاز جشن بود ، علت دیگری را نیز به آن پیرایه بستند که ارواح را راهنما باشد تا در روشنی و فروغ آن به خانه های خود در آیند . البته در پشت بام و کنار آتش خوراکیهای ویژه ای نیز می نهادند.

جشن چهارشنبه سوری

به موجب مطالب ذکر شده ۵ روز آخر سال نیاث ایرانیان باستان آغاز جشنی بسیار بزرگ به شمار می‌رفته و هر روز نامی داشته برابر با ۵ بخش سروده های زرتشت در کتاب گاتاها . و این ۵ روز آخرین سال از سه لحاظ بسیار مقدس و ایام شادمانی عمومی و تعطیل بوده است نخست آنکه این ۵ روز افزون بر سال است یا روزهای گاتاها مقدس بوده دو م اینکه ایام فروردگان یا روانان بوده سوم آنکه پنج روز جشن گاهنبار همس پتمدم بوده که به موجب روایات خلقت انسان در این روز به مرحله عمل رسیده و چون آخرین روز گاهنبار بزرگترین جشن آن گاهنبار بوده چهار روز مقدم صرف تهیه مقدمات جشن بوده و در روز آخر و پنجمین روز شب آفرینش انسان بوده که با افروختن آتش و مراسمی همراه بوده و چون در دوران اسلامی هفت روز هفته جای نام روز هارا گرفت جشن مذکور را به چهارشنبه آخر سال آوردند که در گاه شماری اعراب روز نحسی بود و بد شگون و همچنان که گذشت ۳۵۰ هجری در زمان نوح ابن منصور سامانی شب سوری در بخارا و جوی مولیان با افروختن آتش برگزار می‌شده از عادات و سنن قدیم بوده است این همان جشنی است که به درستی و قاطعانه نمی‌دانیم که از چه هنگام در شب چهارشنبه آخر هر سال برگزار می‌شود و بدین صورت چون برخی دیگر از جشنها به زمامه ما رسیده است . تنها نمی‌دانیم که این جشن قدمتی برابر با اعتقاد آریاها و به ویژه مردم ایران زمین به فروهرها و ارواح درگذشتگان دارد .

فهرست مراسم به طور مختصر

اهدای نذورات به ارواح در گذشتگان، در شب جمعه آخر سال یا شب چهارشنبه یا آخرین شب سال .
به زیارت اهل قبور رفتن .

مراسم آتش افروزی بر بام خانه ها جهت راهنمایی ارواح در گذشتگان

اهدای آجیل مشکل گشا یا همان لرک (lorik) یا هفت میوه خشک شده نزد زرتشتیان به عنوان آجیل شب چهارشنبه سوری

مراسم فال کوزه یا چکو دوله (chak va Dole)

کجاوه بازی و شال اندازی

پختن حلوا

فال گوشه و گره گشایی

قاشق زنی

کوزه شکنی

منابع

- رضی، هاشم. گاه شماری و جشنهای ایران و باستان.
- صفر زاده، صدیق. نوروز در میان کردها.
- آذر گنسیب، موبد اردشیر. آیین برگزاری جشنهای ایران باستان. ۱۳۴۹.
- گرجی ، مرتضی. آناهیتا , پنجاه گفتار استاد پورداود. تهران. ۱۳۴۳
- سروشیان، جمشید. فر هنگ بهدینان.
- فره وشعی، بهرام .ابوریحان بیرونی کتاب التفهیم. چاپ انجمن آثار ملی ایران.
- سایت ویکی پدیا
- سالنامه انجمن زرتشتیان تهران